

## بررسی نقش مولفه های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محلات سنتی

شراره فرهاد<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

### چکیده

بی شک بحران هویت بعنوان یکی از مهمترین چالش های فردی و اجتماعی در جوامع امروزی بروز نموده است که به دلیل سهم بسزای مولفه های هویت بخش در توسعه اجتماعات منسجم، فقدان هویت منجر به ظهور جوامعی منقطع یا فاقد ارتباط میان ساکنین با یکدیگر شود. ارتباط ساکنان با یکدیگر و با محیط اقامتشان را اگر دلبستگی به محله تعبیر نماییم، تزلزل یا فقدان هویت ساکنان، تغییر شکل ساختمان ها و فضاها، تغییر در ارتباط ساکنان با ساختمان ها و فضاهای مسکونی بر میزان دلبستگی ساکنین به محله تاثیر گذار بوده و می تواند آثار سویی مانند مسئولیت گریزی، دل زدگی و بی تفاوتی که جنبه های فردی و اجتماعی دارد را سبب شود. اگر چه پژوهشهای مختلفی در خصوص دلبستگی به مکان انجام شده است، اما تاکنون پژوهشی در خصوص سنجش رابطه میان مولفه ای هویت ساز بر دلبستگی به مکان صورت نگرفته است و از این رو، پژوهش حاضر قصد دارد تا به بررسی تبیین مولفه های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محله آقازمان شهر سنندج بپردازد. روش شناسی این پژوهش از نظر هدف از نوع کاربردی و از نظر ماهیت روش توصیفی- استنباطی بوده و علاوه بر داده های کتابخانه ای از داده های میدانی نیز استفاده شده است که برای نیل به اهداف پژوهش، از پرسشنامه برای ۳۰۰ خانوار از ساکنان این محله استفاده شده است. برای تجزیه و تحلیل توصیفی و استنباطی داده ها نیز، تحقیق از نرم افزارهای Amos و Spss بهره جست که یافته ها با تایید فرضیات نشان می دهد رابطه میان مولفه های هویت ساز (نماد، تزئینات، الگوهای گذشته) بر دلبستگی به محله تاثیر مثبت دارد. علاوه بر این، نتایج مدل سازی معادلات ساختاری داده های این تحقیق نشان می دهد که با بکارگیری مولفه ای هویت ساز در ساختار کالبدی محلات سنتی آقازمان دلبستگی به مکان نیز افزایش می یابد. این تحقیق در بخش انتهایی با تبیین نقش مولفه های هویت ساز در ساختار کالبدی محلات سنتی بمنظور ارتقای دلبستگی به مکان در میان ساکنان اینگونه محلات می پردازد.

### واژگان کلیدی

مولفه های هویت ساز، حس تعلق به مکان، هویت، محلات سنتی

## مقدمه

از آنجاییکه خلق و احساس عنصر اساسی رابطه فرد با یک مکان است، دلبستگی به مکان را می توان یک پاسخ شکل گرفته اجتماعی دانست که دارای پیوند عمیقی با مکان است، بصورتیکه مکان به حدی می تواند اهمیت پیدا می کند که به جزئی از هویت فرد تبدیل شود (Lin & Ramkissoon, 2014). دلبستگی به مکان بر هر دو نوع تلاش خرد و کلان در زمینه اهداف رفتاری و حفظ محیط تاثیر دارد (Lin & Ramkissoon, 2013) و اجزای تشکیل دهنده آن یعنی هویت مکان و وابستگی به مکان با رفتارهای مسئولانه در قبال محیط و حمایت از آن همبستگی دارند (Brown & Raymond, 2007). تحقیقات گوناگونی به دنبال راه حل تقویت هویت در سکونتگاههای شهری بوده اند و نتایج آنها نشان دهنده این است که ساختمان های مسکونی به عنوان اجزای مشترک و سلولهای تشکیل دهنده شهرها دارای اهمیت هستند، اما علیرغم همه شباهت ها، هر شهر در اجزا شخصیت خود صفاتی دارد که آن را از دیگر شهرها متمایز می کند که این تفاوتها را هویت تعیین می کند (رک. بهزادفر، ۱۳۸۶). هویت بعنوان یک مفهوم بنیادی، بر ابعاد اجتماعی و فیزیکی جامعه تاثیر گذار است، بگونه ای که ضعف یا فقدان عنصر هویت در محلات مسکونی منجر به انقطاع و یا عدم شکل گیری ریشه های اتصال و ارتباط ساکنین با محیط و با یکدیگر می گردد. بحران در هویت که بصورت فردی و اجتماعی بروز می نماید، آثار سوئی همچون مسئولیت گریزی، دل زدگی و بی تفاوتی را نسبت به محیط پیرامون در شخص شکل خواهد داد (درخشه و جعفرپور، ۱۳۸۸). مداخلات گسترده کالبدی و اجتماعی در بافتهای سنتی در چند دهه اخیر، موجب شد تا شاهد توسعه ای باهدف فراهم نمودن نیازهای زیرساختی شهروندان باشیم، فرآیندی که به دلیل فقدان آگاهی های لازم از عناصر هویت بخش و تعلق بخش در ساختارهای این بافت ها، دستاوردی جز نابودی هویت و کاهش حس دلبستگی نداشته است (پرویزی و همکاران، ۱۳۹۴). بخشی از این مسئله به دلیل عدم توجه به زمینه های فرهنگی در طراحی این محلات و بخش دیگر آن به علت نادیده گرفتن نقش و جایگاه شاخص های موثر بر هویت بخشی محلات به ویژه شاخص های کالبدی است. ضرورت توجه به این موضوع به مانند اصلی پایه ای در هویت بخشی به محلات سنتی است که توجه نکردن به آن منجر به عدم اعتبار بسیاری از طرح های نوسازی در بافت سنتی محلات شده است. بنابراین اصلی ترین سوالات این پژوهش را می توان این گونه مطرح نمود.

- مولفه های هویت ساز در معماری مسکونی محله آقازمان شهر سنندج کدامند؟

- چه رابطه ای بین مولفه های هویت ساز معماری و دلبستگی به مکان وجود دارد؟

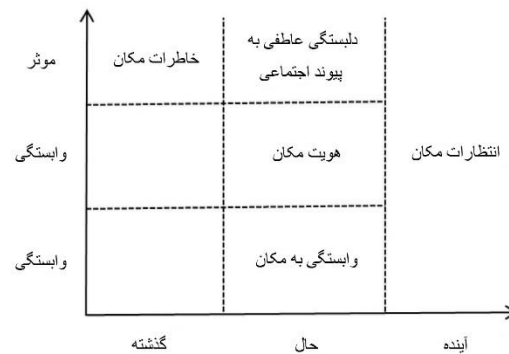
## پیشینه تحقیق

محققان از دهه ۱۹۶۰ به اهمیت مکان زندگی برای هویت افراد پی بردند. اولین مطالعه توسط فرد<sup>۱</sup> در سال ۱۹۶۳ انجام شد که در این مقاله فرد نقل مکان اجباری در شهر بوستون را بررسی کرد و بیان نمود که هویت شخصی نه تنها مبتنی بر فرآیندهای فردی، اجتماعی و میان فردی است بلکه محیط های فیزیکی را نیز شامل می شود و مکان را به عنوان عنصری اساسی در هویت شخصی معرفی کرد (Bernardo et al., 2016). استدمن<sup>۲</sup> (۲۰۰۳)، بر نقش ویژگی های فیزیکی و مولفه های کالبدی در یک مکان تاکید داشت (Lin & Lockwood, 2014). وسک و کوبرین<sup>۳</sup> در سال ۲۰۱۰ در مقاله ای تاثیر گذاری شاخص های دلبستگی به مکان و هویت مکان بر رفتارهای سازگار با محیط زندگی افراد را بررسی کردند و در نهایت برقراری ارتباط احساسی با مکان های محلی را عاملی مهم برای ایجاد حس مسئولیت پذیری و فعالیت بیشتر ساکنان معرفی نمودند (Vaske & Kobrin, 2010). مقاله ارائه شده توسط اسکنل و گیفورد<sup>۴</sup> (۲۰۱۰) ساختار سازمان دهنده مهمی برای مطالعات دلبستگی به مکان ارائه کرد. این دو نویسنده بر مبنای تحقیقات انجام شده طی دو دهه قبل، دلبستگی به مکان را به عنوان یک مفهوم چندبعدی معرفی کردند که ابعاد آن را فرآیندهای روانشناختی (شناخت و باورها) و مکان (هم فیزیکی و هم اجتماعی) تشکیل می دهند. از منظر این مطالعه، شبکه های اجتماعی که در مرکز مفاهیمی همچون به هم پیوستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی قرار دارند می توانند بعنوان مولفه اصلی برای درک نحوه عملکرد دلبستگی به مکان مورد استفاده قرار گیرند (Clark et al., 2015). ینوین و همکارانش<sup>۵</sup> در سال (۲۰۱۲) دریافتند که معنای مکان از تفسیر ویژگی های فیزیکی یک محیط و گونه های مهم آن نشأت می گیرد. شواهد تاریخی فیزیکی مانند ساختمانها و ارتباطات شخصی با رخدادهای تاریخی می توانند منابع فرهنگی مهمی برای شکل گیری مکان باشند (Beckley et al., 2007). کلارک و همکارانش<sup>۶</sup>

در مقاله ای در سال (۲۰۱۵) به بررسی تاثیرگذاری دلبستگی به مکان در محلات در جهت ماندگار شدن ساکنان پرداختند و در نهایت بیان نمودند که در بررسی ارتباط بین ماندن یا رفتن ریشه های خانوادگی، ارتباطات جمعی و ابراز رضایت از همسایگی در دلبستگی به مکان و ماندگار شدن ساکنان در محلات اهمیت بسیار دارند (Clark et al., 2015). در مطالعات بررسی شده هر یک از پژوهشگران از دریچه ای متفاوت به مساله مورد نظر پرداخته اند. این پژوهش ها به ویژگیهای فیزیکی، اجتماعی، ریشه های خانوادگی، فرهنگ و ارتباطات جمعی به عنوان عوامل مهم در ایجاد دلبستگی به مکان اشاره کرده اند اما در هیچ کدام به سنجش شاخص های مولفه های هویت ساز فیزیکی و نقش آنها در فرآیند دلبستگی به مکان اشاره ای نکرده اند. لذا پژوهش حاضر قصد دارد به ارزیابی و بررسی شاخص های مولفه های هویت ساز برای افزایش حس تعلق به مکان در محله آقازمان شهر سنجیدگی بپردازد.

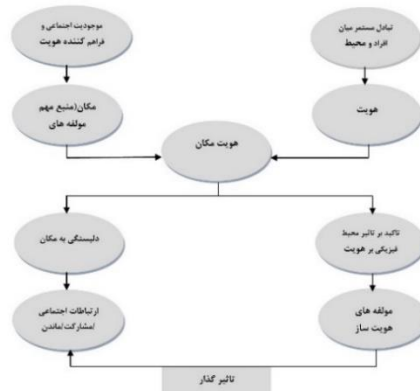
### چارچوب نظری

هویت، موضوعی پیچیده ای است. در حوزه روانشناسی اجتماعی، نظریه هایی در مورد هویت ارائه شده است اما عنصر محیط فیزیکی تا حد زیادی نادیده گرفته شده است. مکان را می توان به عنوان یک موجودیت اجتماعی یا "گروه عضویت" تعریف کرد که هویت را فراهم می کند. مکان اغلب به یک گروه از مردم با یک سبک زندگی خاص یا پایگاه اجتماعی مربوط می شود. این مفهوم در رابطه با حفظ عزت نفس مثبت به این معناست که مردم مکان هایی را ترجیح می دهند که حاوی نمادهای فیزیکی باشد که عزت نفس فیزیکی آنها را حفظ کرده و یا افزایش بدهد (Twigger-Ross et al., 2003). مکان ها منابع مهم مولفه های هویت هستند. جنبه های هویت، از مکان هایی که به آنها تعلق داریم نشأت می گیرند زیرا مکان ها دارای نمادهایی هستند که برای ما دارای معنا و اهمیت اند. مکان ها، تنها محیط های فیزیکی نیستند بلکه بخشی یکپارچه از هویت هستند. جنبه هایی از هویت را که به مکان مربوط می شوند را می توان تحت عنوان "هویت مکان" توصیف کرد. هویت مکان به تاثیر محیط فیزیکی بر هویت و درجه بالایی از "دلبستگی به مکان" اشاره دارد. (Haug, 2007). دلبستگی به مکان را می توان تحت عنوان پیوند یا ارتباطی عاطفی میان انسان و مکان هایی خاص تعریف کرد در این خصوص برخی محققان بر پیوند احساسی با مکان ها و ارتباط شناختی نسبت به فضایی خاص تاکید دارند اما دیگر محققان اظهار دارند که متمایز کردن دلبستگی به مکان و یک رضایت ساده از مکان سکونت کار دشواری است. دلبستگی به مکان در اکثر بحث ها درباره "پیوند انسان و مکان زندگی اش" درباره افراد، خانواده ها و گروه هایی است که از لحاظ تمامی جنبه ها به مکان های محلی خود مرتبط شده اند. دلبستگی به مکان دارای ابعاد فیزیکی و اجتماعی است و شبکه های اجتماعی که فراتر از واحد خانوار گسترش یافته اند "زندگی های مرتبط به هم" را در یک مکان بوجود می آورد (Clark et al., 2015). اوایل شروع تحقیق در مورد دلبستگی به مکان، یک چارچوب دو بعدی ارائه شده بود و تا به امروز نیز بطور گسترده در بین روانشناسی محیطی پذیرفته شده است این چارچوب بر پیوند شناختی و ارزش کارکردی رابطه انسان - مکان متمرکز است اما بطور خاص، مولفه های اجتماعی، سمبلیک یا احساسی محض را در این رابطه در نظر نمی گیرد. تحقیقات جدیدتر در حوزه روانشناسی محیطی پیوند اجتماعی و دلبستگی عاطفی را به عنوان دو جنبه مهم دیگر از دلبستگی به مکان مطرح کرده اند که در این راستا موارد زیر به ترتیب بازتاب جنبه های شناختی، اجتماعی، عاطفی و دلبستگی به مکان هستند: (۱) هویت مکان که به یک بعد از دلبستگی به مکان و همچنین به یک بعد از خودش اشاره دارد، بازتاب یکنواختی (استمرار) و تمایز (یکتایی) است و از لحاظ مکان یک "خود طبقه بندی" است. بنابراین هویت مکانی یک فرد نتیجه فرآیند توجیه شناختی است. (۲) وابستگی به مکان (۳) پیوند اجتماعی و (۴) دلبستگی عاطفی. با توجه به موارد ذکر شده می توان دریافت که وابستگی به مکان پیامد دیگر فرآیند توجیه شناختی بر مبنای مقایسه ها و ارزیابی ها است درحالیکه دو بعد دیگر، نشان دهنده جنبه های عاطفی دلبستگی به مکان در هر دو سطح اجتماعی و فردی است. علاوه بر این چهاربعد محققان برای ارزیابی دلبستگی به مکان "خاطره مکان" (تصویر کشیدن دلبستگی از منظر تجربیات شخصی) و "انتظار از مکان" (چقدر انتظار می رود که تجربیات بعدی در یک مکان خاص رخ دهند) را بعنوان دو بعد دیگر دلبستگی به مکان که مبتنی بر تعامل و پیوند انسان - مکان هستند و ریشه در تجربیات شخصی، نه توجیه یا ارزیابی، دارند را معرفی کردند. این شش بعد از دلبستگی به مکان را می توان بر اساس ماهیت پویای آنها (شکل ۱) طبقه بندی کرد (Chen & Dwyer, 2017).



نمودار ۱: اندازه گیری دلبستگی به مکان (منبع: Chen & Dwyer, 2017)

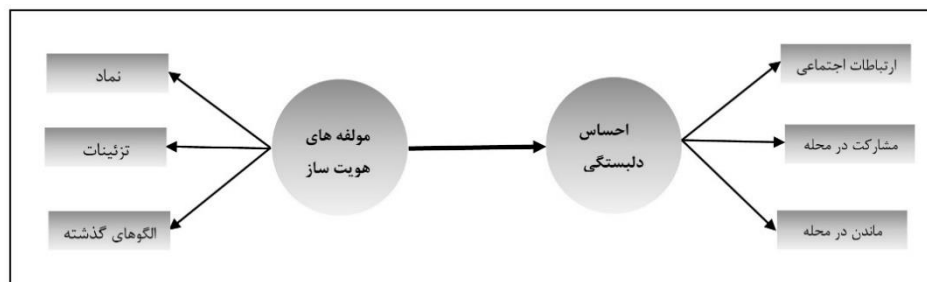
معنای مکان نه تنها شامل افراد و تعاملات اجتماعی آنها بلکه شامل تفسیرهای عقلانی از مشخصات فیزیکی یک محل نیز هست. وقتی معنای مکان به مولفه های فیزیکی خاصی مربوط می شود فرم شناختی متمایز دلبستگی و پاسخ های احساسی و رفتاری در مکان ممکن است بروز کنند در این حالت دلبستگی به مکان می تواند تحت تاثیر مشخصات فیزیکی مکان و مولفه های کالبدی قرار داشته باشد (Lin & Lockwood, 2014). ارزشهای اجتماعی اغلب ممکن است مبتنی بر استمرار دلبستگی تاریخی به مکان ها یا برقراری ارتباط با آنها به مرور زمان باشد که این امر باعث ایجاد ادراکات اجتماعی مشترکی می شود و بدین ترتیب ایجاد تمایز بین ارزش اجتماعی و ارزش تاریخی را دشوار می سازد بنابراین ساختارهای فیزیکی در یک محیط شهری، نه تنها هویت فردی را شکل می دهند، بلکه واسطه شکل گیری جنبه هایی از هویت جمعی هم هستند. اگرچه مولفه های فیزیکی، قابل لمس بوده و یک جسم مادی است اما معانی آن تا حد زیادی خیالی و موهومی است زیرا بینندگان مختلف در دوره های تاریخی گوناگون، تفسیرها و احساسات متفاوتی را نسبت به آن ابراز می کنند. این معانی خیالی فقط در ذهن افراد نیست بلکه به اشتراک گذاشته می شود و در بین افراد جامعه می چرخد و به بینندگان بعدی نیز منتقل می شود، به نحوی که آنها نیز در نهایت صاحب سایه ای از روایت ها، ارزش ها و احساساتی که حول آن شی موج می زند، می شوند (Galchinsky, 2018). از آنجایی که دو جنبه شناسایی شده دلبستگی به مکان پیوند اجتماعی و ریشه داری فیزیکی است، پس دلبستگی به محله با ارتباط فیزیکی و اجتماعی بین افراد و محیط اقامت شان در ارتباط است. از لحاظ فیزیکی محله اغلب به یک ناحیه مسکونی اطلاق می شود در حالیکه از نظر اجتماعی مکانی با تعاملات اجتماعی است بنابراین هر دو مشخصه اجتماعی - اقتصادی و فیزیکی به عنوان فاکتورهای تاثیرگذار در دلبستگی شناسایی شده اند. دلبستگی به محله نقش بسزایی در تعامل اجتماعی در محله های شهری داشته و در عین حال پیوندهای شکل گرفته در محله از بهترین فاکتورهای تاثیرگذار در دلبستگی به محله است (Abass & Turker, 2017) بنابراین ایجاد دلبستگی نسبت به خانه یا محله امری سودمند است. این مسئله با بسیاری از پیامدهای مثبت مانند سلامت و مشارکت در اجتماع در ارتباط است. مردمی با دلبستگی بیشتر به محله، در راستای محافظت از ویژگی های اجتماعی و فیزیکی محله سکونتشان، مشارکت سیاسی و اجتماعی بیشتری از خود نشان می دهند (Anton & Lawrence, 2014).



نمودار ۲: چارچوب نظری تحقیق

## روش پژوهش

با توجه به هدف پژوهش، روش تحقیق حاضر از نوع کاربردی با روش پیمایشی است. جامعه آماری تحقیق حاضر شامل همه افراد بزرگسال ساکن در محله آقازمان شهرسندج در نیمه اول سال ۱۳۹۷ می باشد. از پرسشنامه و مشاهده مستقیم به عنوان ابزار گردآوری اطلاعات استفاده شده است. براساس آمار اخذ شده تعداد افراد ساکن در این محله برابر ۴۲۷۰ نفر بوده که نمونه آماری این تحقیق شامل ۳۰۰ نفر از افراد بزرگسال ساکن در این محله است. پارامتر نمونه گیری بصورت کمی بوده و واحد نمونه گیری تحقیق، فرد می باشد. که از شیوه تصادفی برای تکمیل پرسشنامه استفاده شده است. میزان آلفای کرونباخ به دست آمده که بیان کننده پایایی ابزار مورد استفاده است، برای متغیر مولفه های هویت ساز ۰/۸۴۱ و میزان آلفای کرونباخ بدست آمده برای متغیر دلبستگی به مکان معادل ۰/۷۳۴ بوده است. همچنین روایی پرسشنامه یاد شده نیز توسط پنج تن از اساتید گروه معماری و شهرسازی به تایید رسیده است. سوالات پرسشنامه در طیف لیکرت پنج درجه ای است. داده های جمع آوری شده در دو سطح آمار توصیفی شامل جداول توزیع فراوانی، درصد، میانگین، انحراف معیار و شاخص های کجی و کشیدگی صورت گرفت در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون های ضریب همبستگی پیرسون<sup>۷</sup> و مدل یابی معادلات ساختاری<sup>۸</sup> (SEM)، برای آزمون مدل اصلی پژوهش استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS24 و AMOS22 انجام شد.

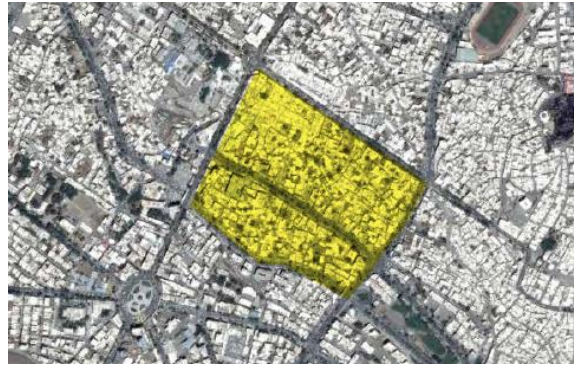


نمودار ۳: مدل مفهومی پژوهش

## معرفی محدوده مورد مطالعه

محدوده مورد مطالعه در این پژوهش، محله آقازمان شهر سندج است. محله آقازمان یکی از محلات مهم و اقلیت نشین این شهر است که در قلب بافت تاریخی قرار دارد و به دلیل مسافت کوتاه تا بازار از اهمیت ویژه ای برخوردار است و در گذشته، محل سکونت تجار و بازرگانان بوده

است و از این رو معماری ساختمان ها به دلیل تمکن مالی صاحبان آن قابل توجه و ماندگار بوده است. محدوده مورد مطالعه با وسعتی برابر ۳۵۵۵۵۵ مترمربع جزو ساختار اصلی و هسته اولیه شهر است، در گذشته بیشترین جمعیت شهر، در این محدوده ساکن بوده‌اند اما با گسترش و توسعه شهر و هم‌زمان با شکل‌گیری بافت جدید و نیز فرسودگی بافت مرکزی، از بار جمعیت این بافت تا حدودی کاسته شد



شکل ۱: موقعیت محله آقازمان در شهر سنج

### یافته های پژوهش

در پیمایشی که بر روی ۳۰۰ نفر از ساکنان محله آقازمان صورت گرفت، ۵۹ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۱ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده بودند. همچنین ۶۳ درصد از پاسخگویان متأهل و ۳۷ درصد از پاسخگویان مجرد بودند. بنابر اطلاعات بدست آمده از پرسشنامه ۱۴ درصد از پاسخگویان بیسواد، ۳۱/۳۱ درصد دیپلم، ۱۹ درصد لیسانس و ۸ درصد فوق لیسانس بوده اند بیشتر اعضای این محله دارای شغل آزاد بوده اند (حدود ۴۷ درصد)، حدود ۱۷ درصد نیز کارمند و ۲۶ درصد اعضای نمونه هم بیکار هستند. از لحاظ بررسی انجام شده در خصوص مشخصات نحوه زندگی ساکنان در این محله مشخص شد که اکثر اعضای نمونه (حدود ۳۸ درصد) دارای خانه قدیمی در محله آقا زمان هستند، ۲۱ درصد اعضا در خانه های جدید و زندگی را به تازگی در این محله آغاز کرده اند و اما ۴۸ درصد ساکنانی هستند که در خانه های جدید زندگی میکنند و قبل از این خانه ها هم در این محله ساکن بوده اند.

در جدول ۲ شاخص های توصیفی سه مولفه فرعی نماد، تزیینات و الگوهای گذشته ارائه شده است. شاخص های توصیفی شامل میانگین، انحراف معیار و شاخص های کجی و کشیدگی هستند. میانگین محاسبه شده بر حسب طیف لیکرت پنج درجه ای بوده است.

جدول ۲: شاخص‌های توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
نماد	۳۰۰	۳/۷۹	۰/۸۰	-۰/۶۴	-۰/۱۹
تزئینات	۳۰۰	۳/۶۳	۰/۷۳	-۰/۴۳	-۰/۳۴
الگوهای گذشته	۳۰۰	۳/۸۷	۰/۹۲	-۰/۸۷	-۰/۵۰

برطبق جدول ۱ میانگین مولفه الگوی های گذشته کمی بیشتر از دو مولفه دیگر یعنی نماد و تزئینات است. شاخص های کجی و کشیدگی در دامنه +۱ الی -۱ قرار دارند. و این مساله نشان دهنده نرمال بودن توزیع نمره های در این سه مولفه است. در جدول ۳ شاخص های توصیفی مولفه های مرتبط با سازه دلبستگی به محله که متغیر وابسته اصلی تحقیق است، ارائه شده است:

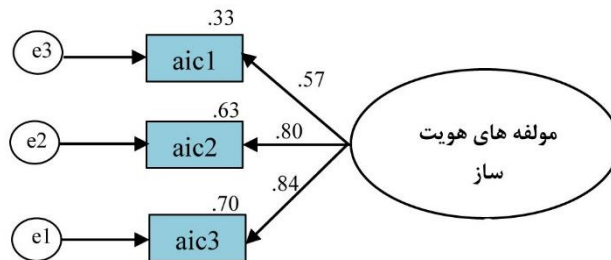
جدول ۳: شاخص‌های توصیفی

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف معیار	کجی	کشیدگی
ارتباطات اجتماعی	۲۹۲	۲/۹۸	۰/۹۶	۰/۰۴	-۰/۴۷
مشارکت در محله	۲۹۲	۳/۹۲	۰/۸۳	-۰/۶۳	-۰/۱۰
ماندن در محله	۲۹۲	۳/۱۵	۰/۸۱	۰/۲۸	-۰/۰۹

داده های جدول ۳ نشان گر این است که میانگین ارتباطات اجتماعی پایین از میانگین فرضی در طیف لیکرت پنج درجه ای یعنی عدد ۳ است. و تنها مولفه ای است که میانگین آن کمتر از ۳ است. همچنین براساس داده های جدول فوق میانگین مشارکت در محله برابر ۳/۹۲ است و نشان دهنده میزان بالای مشارکت در محله است.

## مدل سازی معادلات ساختاری

به منظور سنجش میزان مطابقت مدل تدوین شده با واقعیت، از مدل معادلات ساختاری استفاده شده است. این مدل به خوبی نشان می دهد که نتایج بدست آمده تا چه اندازه با واقعیت انطباق دارد. در ادامه با استفاده از مدل سازی از طریق معادلات ساختاری به میزان تاثیر هر یک از مولفه های پژوهش پرداخته شده است. با توجه به مدل ارائه شده در نمودار ۳ می توان بیان کرد که مدل ساختاری پژوهش که شامل مولفه های هویت ساز کالبدی (متغیر مستقل یا برون زای اصلی)، دلبستگی به محله (متغیر وابسته یا درون زای اصلی) با داده های تجربی برازش دارد. جهت آزمون مدل پژوهش از مدل یابی معادلات ساختاری با روش بیشینه درست نمایی<sup>۹</sup> استفاده شد. قبل از استفاده از این روش آماری، نخست باید پیش فرض های آن بررسی شوند سپس مدل اندازه گیری سازه ها تایید شود و در نهایت برازش مدل ساختاری پژوهش صورت می گیرد. همچون همه روش های آماری پارامتری، نرمال بودن توزیع داده ها از پیش فرض های اصلی روش مدل یابی معادلات ساختاری محسوب می شود. برای بررسی این پیش فرض چند روش و آزمون آماری همچون آزمون کالموگروف - اسمیرنوف و آزمون شاپیرو - ویلک مطرح شده است. یکی از روش های بررسی نرمال بودن محاسبه شاخص های کجی و کشیدگی است. به نظر آمارشناسان اگر دامنه این شاخص ها در محدوده +۱ الی -۱ قرار داشته باشد، نشانگر نرمال بودن توزیع داده ها است همانگونه که در بخش آمار توصیفی و در جداول مربوط به متغیرهای اصلی پژوهش بیان شد میزان هر دو شاخص در محدوده مذکور قرار دارد و بنابراین نرمال بودن تک متغیری متغیرها تایید می شود. پس از بررسی و تایید وجود مفروضه های مدل یابی معادلات ساختاری، مدل اندازه گیری سازه ها به شرح زیر انجام شد: در نمودار ۴، مدل اندازه گیری مربوط به مولفه هویت ارائه شده است:



نمودار ۴: مدل اندازه گیری مولفه هویت ساز کالبدی

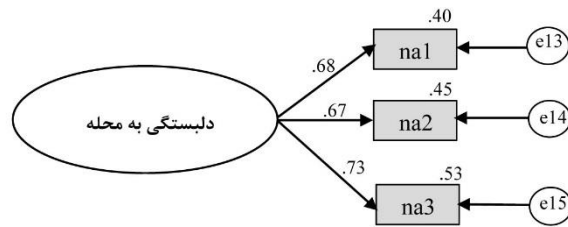
در جدول زیر معناداری ضرایب بین سازه مکنون هویت با متغیرهای نشان گر مرتبط با آن ارائه شده است:

جدول ۴: معناداری ضرایب بین سازه مکنون هویت با متغیرهای نشان گر

از سازه به مولفه	میزان برآورد	خطای اندازه گیری	مقدار بحرانی	سطح معناداری
هویت -> نماد	۰/۶۰۰	۰/۰۶۹	۸/۷۴۶	۰/۰۰۰
هویت -> تزیینات	۰/۷۵۸	۰/۰۷۷	۹/۸۷۵	۰/۰۰۰
هویت -> الگوهای گذشته	۱	-	-	-

همانگونه که ملاحظه می شود همه ضرایب معنادار هستند و این مساله نشان می دهد که مولفه ها نشانگر خوبی برای سازه هویت هستند. در شکل زیر مدل اندازه گیری سازه دلبستگی به محله ارائه شده است:





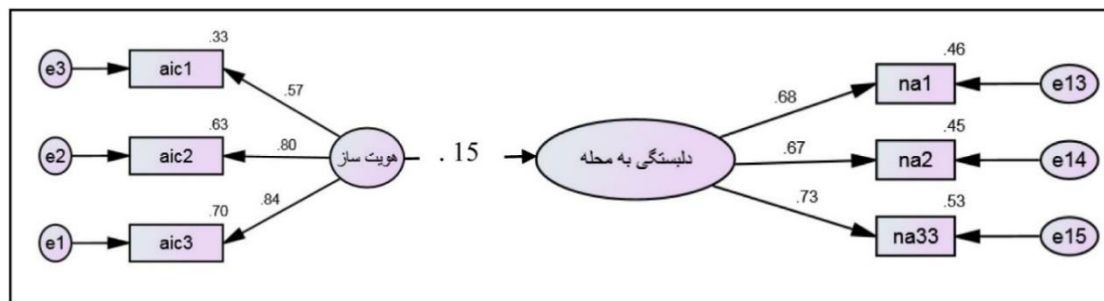
نمودار ۵: مدل اندازه گیری دل بستگی به محله

در جدول زیر معناداری ضرایب مدل اندازه گیری دل بستگی به محله ارائه شده است:

جدول ۵: معناداری ضرایب مدل اندازه گیری دل بستگی به محله

از سازه به مولفه	میزان برآورد	خطای اندازه گیری	مقدار بحرانی	سطح معناداری
دل بستگی به محله < ارتباطات اجتماعی	۱	-	-	-
دل بستگی به محله < مشارکت در محله	۰/۸۳۶	۰/۱۰۳	۸/۱۳۳	۰/۰۰۰
دل بستگی به محله < ماندن در محله	۰/۹۱۵	۰/۱۱۳	۸/۰۷۶	۰/۰۰۰

براساس داده های حاصل در جدول فوق هر سه متغیر نشانگر تعریف شده برای سازه دل بستگی به محله در سطح ۰/۰۰۱ معنادار هستند و بنابراین نشانگر مطلوبی برای سازه دل بستگی محسوب می شوند. پس از بررسی و تایید وجود مفروضه های مدل یابی معادلات ساختاری و همچنین تایید مدل های اندازه گیری سازه ها نهفته یا مکنون، مدل مفروض پژوهش به شرح زیر مورد برازش قرار گرفت:



نمودار ۶: تایید مدل های اندازه گیری سازه های مکنون

در پاسخ به پرسش دوم، نتایج نشان می دهد که سازه مولفه های هویت ساز بر دل بستگی به محله تاثیر دارد. در جدول زیر نتایج آزمون گزارش شده است.

جدول ۶: نتایج آزمون فرضیه تحقیق

پارامتر استاندارد شده	ضریب مسیر (استاندارد نشده)	خطای استاندارد برآورد	آماره	Sig سطح معناداری
۰/۱۵	۰/۱۴۷	۰/۰۵	۲/۹۴	۰/۰۱

مولفه های هویت ساز به دل بستگی به محله

با توجه به جدول ۶ اثر مستقیم مولفه های هویت ساز به دل بستگی به محله برابر ۰/۱۵ است. آماره متناظر با این تاثیر نیز برابر ۲/۹۴ بوده و سطح معناداری آن ۰/۰۱ است. چون سطح معناداری آن کمتر از ۰/۰۵ است لذا با توجه به این نتیجه، مولفه های هویت ساز بر دل بستگی به محله تاثیر مثبت دارد. همچنین ضرایب مسیر مستقیم، غیرمستقیم و کل تاثیر سازه مولف های هویت ساز بر دل بستگی به مکان در جدول ۷ بیان شده است.

جدول ۷: اثرات استاندارد مستقیم و غیرمستقیم و کلی متغیر های اصلی پژوهش

از سازه	به سازه	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل	واریانس تبیین شده
مولفه های هویت ساز	دل بستگی به مکان	۰/۱۵	۰/۵۶	۰/۷۱	۰/۸۹

در جدول ۸ ضریب همبستگی متغیرها بیان شده است.

جدول ۸: ضریب همبستگی متغیرها

مولفه های هویت ساز (aic)	دل بستگی به مکان (na)
مولفه های هویت ساز (aic)	۱
دل بستگی به مکان (na)	۰/۴۵۶**

\*\* ضریب همبستگی در سطح (۰/۰۱) قابل توجه است

با توجه به جدول فوق ضریب همبستگی پیرسون مولفه های هویت ساز به دل بستگی به مکان برابر ۰/۴۵۶ است که در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

## بحث و تحلیل یافته های پژوهش

مدل مفهومی پژوهش حاضر از دو شاخص اصلی مولفه های هویت ساز و دل بستگی به مکان تشکیل شده است. در تحلیل های مبتنی بر معادلات ساختاری مشخص شد که ارتباط معناداری بین سازه های مکتون و متغیرهای نشانگر وجود دارد (جدول ۵ و ۴). در ارتباط با شاخص مولفه های هویت ساز، مهم ترین عوامل تاثیر گذار به ترتیب عبارتند از استفاده از الگوهای گذشته، تزیینات و نمادها همچنین در ارتباط با شاخص دل بستگی به محله، ماندن در محله، ارتباطات اجتماعی و مشارکت در محله به عنوان عوامل تاثیر گذار در محله آقامان بدست آمده است. بر اساس جدول ۶، بررسی مسیرهای بین متغیرهای پنهان نشان می دهد که روابط موجود در مسیر (اثر مستقیم مولفه های هویت ساز به دل بستگی به محله) معنادار است و ضریب همبستگی پیرسون مولفه های هویت ساز به دل بستگی به مکان برابر ۰/۴۵۶ است. بنابراین یافته های استخراج شده از بطن تحلیل های آماری نشان از نقش مولفه های هویت ساز در ایجاد دل بستگی به مکان است این نتیجه ارزش استفاده از مولفه های هویت ساز را در ایجاد دل بستگی به مکان بیش از پیش نمایان می کند. در همین راستا و با توجه به یافته های مطالعات تجربی و نظری گذشته، یافته های تحقیق پیش رو حائز اهمیت می باشد.

## نتیجه گیری

مکان ها بخشی از واقعیتی هستند که مردم در آن زندگی می کنند و بر طبق مشخصات فیزیکی، عاطفی و رفتاری که به آنها نسبت داده شده، نمایانده می شوند. به همین ترتیب، نگرش ها، عواطف و باورهای مثبت شده در مورد مکان ها نیز، بر تصویر درونی که انسان از آنها دارد، تاثیر می گذارند. بر همین اساس، پیوندهای عاطفی که مردم با مکان ها ایجاد می کنند، نقش مهمی در نحوه درک و تفسیر آنها دارد. اما در عین حال، ادراک و بازنمایی شناختی یک مکان می تواند بر پیوندهای بوجود آمده میان انسان و آن مکان تاثیر بگذارد. با توجه به یافته های پژوهش می توان بیان کرد که یافته های پژوهش با پیشینه نظری و تجربی پژوهش در یک راستا بوده، همچنین ارتباط معنا داری بین مولفه ای هویت ساز و دلبستگی به مکان وجود دارد. که در زیر به تفکیک آورده شده است. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه تحقیق (بین مولفه های هویت ساز و دلبستگی ارتباط وجود دارد) یک ضریب غیرمستقیم (۰/۵۶) بین سازه مولفه های هویت ساز با دلبستگی به محله وجود دارد. همه ضرایب مستقیم مدل (۰/۱۵) معنادار بودند همچنین میزان واریانس تبیین شده متغیر درون زای اصلی مدل یعنی دلبستگی به محله از طریق سازه مولفه های هویت ساز، برابر ۰/۸۹ است یعنی ۸۹ درصد از واریانس متغیر وابسته اصلی توسط متغیرهای مدل تبیین می شود و تنها ۱۲ درصد از واریانس آن به متغیرهای خارج از مدل مربوط می شود. در مجموع نتایج ارزیابی شاخص های برازش نشان داد که مدل نهایی پژوهش به صورت قابل قبولی با داده های جمع آوری شده برازش دارد و مدل مفهومی تحقیق تایید می شود. بدین ترتیب استفاده کردن از مولفه های هویت ساز (نماد، تزئینات، الگوهای گذشته) در جهت ایجاد دلبستگی در محلات قدیمی می تواند در تصمیم گیری و اقدام مسئولان، برنامه ریزان و دست اندرکاران محلات شهری باری نماید.

## پی نوشت

- 1- Fried
- 2- Stedman
- 3- Vaske
- 4- Scannell & Gifford
- 5- Wynveen
- 6- Clark
- 7- Pearson correlation
- 8- structural equation modeling
- 9- maximum likelihood

## منابع:

۱. بهزادفر، مصطفی (۱۳۸۶)، «هویت شهر، نگاهی به هویت شهر تهران»، تهران، نشر شهر
۲. پرویزی، الهام و بمانیان، محمدرضا و مهدی نژاد، محمد جواد (۱۳۹۴)، «شناسایی معیارهای ذهنیت اصیل در معماری جدید بافت با ارزش تاریخی در جهت ارتقای هویت کالبدی بافت تاریخی»، فصلنامه مرمت و معماری ایران، سال هشتم، شماره یازدهم، صص ۶۵-۷۸
۳. درخشه، جلال و جعفر پور، رشید (۱۳۸۸)، «مدیریت بحران های هویتی در ایران»، فصلنامه خط اول، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۶-۵۵
- Abass, Z., (2017) White picket fences & other features of the suburban physical environment: Correlates of neighbourhood attachment in 3 australian low-density suburbs, p1-10
- Anton, CH & Lawrence, C (2014) Home is where the heart is: The effect of place of residence on place attachment and community participation Journal of Environmental Psychology 40 451e461
- Beckley, T., Stedman, R., Wallace, S., Ambar, M., (2007). Snapshots of what matters most: using resident-employed photography to articulate attachment to place. Soc. Nat. Resour. 20 (10), 913-929.
- Bernardo, F., e-Manuel Palma-Oliveira, J (2016), Urban neighbourhoods and intergroup relations: The importance of place identity Journal of Environmental Psychology 45 (2016)
- Brown, G., & Raymond, C. (2007). The relationship between place attachment and landscape values: Towards mapping place attachment. Applied Geography, 27, 89-111.

- .Clark,W., Duque-Calvache,R., Palomares-Linares,I(2015) Place Attachment and the Decision to Stay in the Neighbourhood, population, space and place :1-16
- .Chen,N & Dwyer,L(2017) Residents' Place Satisfaction and Place Attachment on Destination Brand-Building Behaviors: Conceptual and Empirical Differentiation Journal of Travel Research 1-16
- .Fried, M. (1963). Grieving for a lost home. In L. Duhl (Ed.), *The urban condition*. New York: Basic Books.
- .Galchinsky, M.,(2018) *Iconic Loss: Global Civil Society and the Destruction of Cultural Property*.
- .Hauge,A (2007) Identity and Place: A Critical Comparison of Three Identity Theories, *Architectural Science Review*, 50:1, 44-51
- .Lin,ch. Lockwood,M(2014) Forms and sources of place attachment: Evidence from two protected areas , *Geoforum* 53, 74-81
- .Ramkissoon, H., Smith, L. D. G., & Weiler, B. (2013). Testing the dimensionality of place attachment and its relationship with place satisfaction and proenvironmental behaviours: A structural equation modelling approach. *Tourism Management*, 36, 552-566.
- .Scannell L, Gifford R. (2010). Defining place attachment: a tripartite organizing framework. *Journal of Environmental Psychology* 30(1): 1-10.
- .Stedman, R., (2003). Is it really just a social construction? The contribution of the physical environment to sense of place. *Soc. Nat. Resour.* 16 (8), 671-685.
- .Twigger-Ross, C.L., Bonaiuto, M., & Breakwell, G. (2003). Identity theories and environmental psychology. In M. Bonnes, T. Lee & M. Bonaiuto (Eds.), *Psychological Theories for Environmental Issues* (pp 203-233). Aldershot, England: Ashgate .
- Vaske,J& Kobrin,K(2010) Place Attachment and Environmentally Responsible Behavior, *The Journal of Environmental Education*
- .Wynveen, C., Kyle, G., Sutton, S.,( 2012). Natural area visitors' place meaning and place attachment ascribed to a marine setting. *J. Environ. Psychol.* 32 (4), 287-296.

## Investigating the role of identity building components to increase the sense of belonging to a place in localities

Sharareh Farhad<sup>1</sup>

### Abstract

Traditional neighborhoods are part of a city that have lost their identity due to physical or functional weakness and cannot create a sense of belonging among their residents. The erosion of the residential fabric of these neighborhoods has affected the social and economic activities and has led to a sharp decrease in the quality of life and the quality of the environment. Since attachment to a place is a strong stimulus for maintaining and promoting communities and their related social capital, in order to create a sense of belonging to the residential context in these neighborhoods, it is necessary to pay attention to concepts such as human relationship with place, identity and sense of belonging. In this regard, the general purpose of this article is to investigate the relationship between the components of architectural identity (symbols, decorations, patterns of the past) and attachment to place in Aghazaman neighborhood of Sanandaj city. In order to achieve this goal, the present research, using the descriptive-analytical method to collect information in the form of documents and survey, with the collection tool in the form of a questionnaire, first examined the correlation between the components of identity and attachment to the place and Then, it identifies the effective indicators in predicting the dependent variable (attachment to the place) which, using the statistical method of structural equations, the results of the research have shown that the direct effect of the identity components on the attachment to the neighborhood is equal to 0.15, the amount of variance It has been explained that the variable of attachment to the neighborhood through identity-forming components is equal to 0.89 and the Pearson correlation coefficient of identity-forming components to attachment to the place is equal to 0.456. The results of the research show that in relation to the index of identity building components, the most important influential factors are the use of past patterns, decorations and symbols, as well as in relation to the index of attachment to the neighborhood, staying in the neighborhood, social communication and participation in The neighborhood has been found as an influencing factor in Aghazaman neighborhood. Therefore, the findings of the research show the role of identity-building components in creating attachment to a place, and this result shows the value of using identity-building components in creating attachment to a place.

**Keywords :** Components of identity, sense of belonging to place, identity, neighborhoods

<sup>1</sup>Assistant Professor, Department of Architecture, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.